

عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی

ابراهیم برزگر

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

barzegar@atu.ac.ir

شهلا بهمن‌آبادی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبایی

shahlabahmanabadi@gmail.com

چکیده

عدالت و عدالت اجتماعی در منظومه تفکر اسلامی جایگاه بلندی دارد و به سبب اهمیت آن، یکی از اصول مذهب شیعه محسوب می‌گردد. در واقع، پرداختن به نظام عدالت و ساز و کار تحقق آن در جوامع بشری، وظیفه پژوهشگران و عالمان هر جامعه است. پژوهش حاضر بر آرای آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از عالمان دینی برجسته تمرکز دارد و به منظور کنکاش بهتر، از وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی به عنوان دو رویکرد نظری مهم در فلسفه اخلاق بهره گرفته است. محقق تلاش دارد به این دو پرسش پاسخ دهد:

۱. عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی چگونه تعریف می‌شود؟
 ۲. دیدگاه عدالت اجتماعی او چه نسبتی با دو رویکرد وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی دارد؟
- بر اساس یافته‌های پژوهش، عدالت اجتماعی در آرای جوادی آملی در دو تعریف کلی «قرار دادن هر چیزی در جای خود» و «رساندن حق به حق‌دار» معنا می‌یابد. به علاوه، دیدگاه عدالت اجتماعی او در نگرش تلفیقی معنا دار می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و روش تحلیل اطلاعات، تحلیل محتوای کیفی است.
- کلید واژه‌ها:** عدالت، عدالت اجتماعی، وظیفه‌گرایی، نتیجه‌گرایی، رویکرد تلفیقی، آیت‌الله جوادی آملی.

مقدمه

مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، همواره مورد توجه دانشمندان و اندیشمندان اسلامی قرار داشته است، به گونه‌ای که همواره سعی داشته‌اند بخشی از مباحث خود را به این مقوله مهم اختصاص داده و اندیشه و دیدگاه خود را پیرامون آن مطرح نمایند.

دانشمندان و مکاتب اسلامی نیز با تأسی به قرآن و سنت، تعریف‌های متعدد و مشابهی از مفهوم عدالت ارائه داده‌اند: قرار دادن هر چیزی در جای خود، رساندن حق را به حق‌دار، ایفای اهلیت و رعایت استعدادها، نفی تبعیض و عدم ترادف با برابری مطلق، اعتدال‌گرایی، میانه‌روی و رعایت ملکات متوسطه تقوای فردی و اجتماعی و همسازی با نظم الهی حاکم بر طبیعت انسان و تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی، استقامت در عمل به شریعت و امتثال به آن (باقری ۱۳۸۵: ۷۵).

از میان تعریف‌های ارائه شده پیرامون عدالت، دو تعریف بیش از همه در منابع اصلی و فرعی اسلامی و آرای دانشمندان متخصص متأخر و معاصر مورد توجه بوده است: وضع کل شیء فی موضعه و اعطاء کل ذی حق حقه. در واقع، عدالت اجتماعی عبارت است از التزام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی و یا شناخت حقوق طبیعی و قراردادی، مانند تقسیم کار و دادن مزد به کارگران مطابق با کارایی آنها که جامعه برای همه افراد قائل است.

در خصوص رویکرد نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی به اختصار می‌توان گفت: نتیجه‌گرایی، ملاک درستی یک عمل را پیامدهای به وجود آورنده آن عمل می‌داند؛ در حالی که وظیفه‌گرایی با بی‌توجهی به نتایج، صرفاً التزام به قوانین و وظایفی معین را موجب عادلانه دانستن عمل در نظر می‌گیرد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی مفهوم عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی و نسبت آن با دو رویکرد مهم فلسفه اخلاق، یعنی وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی، با این مدعا که عدالت اجتماعی از منظرایشان، با دو رویکرد مذکور نسبت بینابینی دارد. لذا دست‌یابی به عدالت، حداقل از منظر آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از مفسران جهان اسلام، صرفاً عمل به وظایف مشخصی در اجتماع نیست و البته دست‌یابی به نتایج مشخص و از پیش تعیین شده، نمی‌تواند فرد و جامعه را به سر منزل مقصود برساند.

یافته‌های مهم پژوهش نشان می‌دهد با وجود برداشت‌های مختلف و پراکندگی مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی، این مفهوم در آرای دانشمند مختار، مفهومی مستحکم و مشخص است. به علاوه از نظر آیت‌الله جوادی، تا زمانی که در برقراری عدالت از راه پایبندی به وظایف و تکالیف معلوم اقدام نشود، نه تنها نتایج مطلوب محقق نمی‌شود، بلکه به تحقق تدریجی عدالت اجتماعی نیز نمی‌توان امید داشت. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با تمسک و بهره‌گیری از دو رویکرد وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی، می‌توان به فهم کامل‌تری از چیستی عدالت اجتماعی در نگرش آیت‌الله جوادی دست یافت.

روش تحقیق

انتخاب روش پژوهش باید به گونه‌ای باشد که بتوان یک موضوع را به صورت علمی و مناسب بررسی نموده و به سؤال‌ها پاسخ گفت. برای بررسی و تبیین موضوع‌های سیاسی، روش تحقیق کیفی به روش تحقیق کمی ارجحیت دارد. در حقیقت، می‌توان با استفاده از تحلیل محتوا به درون‌مایه مباحث و موضوع‌ها دست یافت. لذا استنباط، مهم‌ترین مرحله روش تحلیل محتوای کیفی در یک موضوع است که بر اساس آن، روابط بین مفاهیم مشخص و سنجیده می‌شوند (باردن ۱۳۷۵: ۱۳۳ به نقل از لکزایی ۱۳۹۷: ۱۱). بنابراین در این پژوهش، عدالت اجتماعی و نسبت آن با دو رویکرد وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی با بهره‌گیری از مجموعه تفسیر تسنیم و با روش تحلیل محتوای کیفی و نقلی بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون، پژوهشی با موضوع «عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی» به عنوان اثری مستقل در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه به رشته تحریر در نیامده، اما برخی آثار به وجوه و ابعاد دیگر آرای آملی هم‌چون آزادی، امنیت، تعلیم و تربیت، مردم‌سالاری دینی و ضرورت حکومت دینی پرداخته است. به موضوع عدالت در آرای جوادی آملی نیز از ابعاد مختلفی نگاه شده است، مثلاً سیدعبدالرئوف افضلی در مقاله‌ای با عنوان «عدالت به مثابه تبعیت از حقیقت» (افضلی ۱۳۹۰) سعی کرده نگرش آیت‌الله جوادی آملی در باب عدالت را با بهره‌گیری از

مبانی نظری آرا و تحلیل دیدگاه‌های او در آثار مختلف روشن نماید. نویسنده معتقد است که عدالت در دیدگاه جوادی آملی، همان تبعیت از حقیقت است که لوازم و تبعاتی دارد و برآیند آن در حوزه فلسفه سیاسی، ارائه و تأیید نظریه حکومت معصوم و نیز حکومت ولی فقیه در امتداد آن است.

اما پژوهش حاضر دارای چند ویژگی مهم و حائز اهمیت است:

- در خصوص عدالت اجتماعی در آرای جوادی آملی، چند پژوهش جزئی می‌توان یافت.
- در این پژوهش، از رویکرد وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی به عنوان یکی از رویکردهای نظری مهم اندیشه سیاسی استفاده شده است.

- بررسی نسبت دو رویکرد مهم وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی با عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی از مهم‌ترین وجوه تمایز این پژوهش نسبت به دیگر پژوهش‌هاست که به فهم کامل‌تری از عدالت اجتماعی در دیدگاه او منتهی می‌شود.

چهارچوب نظری

نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی، دو نظریه حائز اهمیت در فلسفه اخلاق به شمار می‌روند. نتیجه‌گرایی به آن دسته از نظریاتی اطلاق می‌گردد که مطابق آن، اعمالی که منجر به افزایش نتایج خوب می‌شوند، اعمال درست به حساب می‌آیند. در وظیفه‌گرایی، درستی اعمال قطع نظر از نتایج و پیامدهای احتمالی آنها سنجیده می‌شود. برای مثال: اگر نتیجه‌گرایی، فرد بی‌گناهی را صرفاً به دلیل ایجاد نتایج خوب قربانی کند، وظیفه‌گرایی ضمن منع چنین عملی، آن را تزییع حقوق اشخاص و یا حتی تخطی از دیگر مؤلفه‌های اخلاقی قلمداد می‌کند. هر کدام از این دو نظریه، معایب و مزایایی دارند که شاید بتوان با ترکیب این دو به شکل مناسب از معایب آنها کاست. اخلاق‌دانان معاصر چون هر، اسکنلان، نازیک و... در فکر تلفیق و ترکیب این دو دسته نظریات بودند (موحدی ۱۳۸۹: ۱۵۶).

نتیجه‌گرایی^۱

واژه نتیجه‌گرایی، نخستین بار در سال ۱۹۵۸ توسط آنسکم^۲ (۲۰۰۱-۱۹۱۹) در مقاله

1. Consequentialism
2. G. E. M. Anscombe

«فلسفه اخلاق جدید» به کار رفت. نظریات نتیجه‌گرایانه بر این اتفاق نظر دارند که درستی یا نادرستی اخلاقی اعمال به وسیله ارزش غیراخلاقی نتایج آنها تعیین می‌شود. نظریات نتیجه‌گرایانه، معمولاً در مقابل نظریات وظیفه‌گرایانه قرار دارد که بر اساس آنها، درستی و نادرستی یک عمل از محیط خود عمل سرچشمه می‌گیرد و اخلاق فضیلت که بر اساس آن، به تمرکز بر شخصیت و کردار خود فاعل تکیه دارد تا ماهیت یا نتایج خود عمل، بهتر فهمیده شوند.

نتیجه‌گرایی، آن دسته از نظریات اخلاقی را وصف می‌کند که بر اساس آنها، نتیجه هر عمل، تعیین‌کننده درستی و اعتبار هر حکم اخلاقی درباره آن عمل است. با این حساب، از نظر اخلاقی عملی صحیح است که نتایج خوب به بار آورد؛ از این رو، در نتیجه‌گرایی توجه به نتیجه و پیامد عمل بر خود عمل برتری دارد. در هر عمل، ارزش غیراخلاقی نسبی پیامد آن به عنوان ویژگی اساسی و نهایی در کار است.

نتیجه‌گرایی را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:
نتیجه‌گرایی ذهنی^۱: فرد باید به طور ذهنی و با در نظر گرفتن شعب مختلف عمل، آنها را سبک و سنگین کرده و هر کدام را که در آن موقعیت، سبب ایجاد خیر بیشتری نسبت به اعمال دیگر می‌شود انجام دهد.

نتیجه‌گرایی عینی^۲: اینکه آیا در حقیقت، یک عمل باعث ارتقای خیر گردیده یا خیر، معیار درستی یک عمل یا انجام آن عمل است.

نتیجه‌گرایی عمل‌نگر^۳: بر اساس نتیجه‌گرایی عمل‌نگر، داوری و ارزیابی شخص فاعل یا قضاوت خود فرد، ملاک تعیین‌کننده درستی یا نادرستی عمل است.
نتیجه‌گرایی قاعده‌نگر^۴: بر اساس این رویکرد، اصول و قواعد کلی تعیین‌کننده درستی انجام یک عمل است.

از جمله نتیجه‌گرایان عمل‌نگر می‌توان به جرمی بنتام و جی جی سی و اسمارت و از جمله نتیجه‌گرایان قاعده‌نگر می‌توان به ریچارد بی برنت اشاره کرد (موحدی ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۵۹).

1. Subjective consequentialism
2. Objective consequentialism
3. Act consequentialism
4. Rule consequentialism

وظیفه‌گرایی^۱

در حالی که نتیجه‌گرایی، اعمال درست را بر اساس نتایج خیر، مشخص و معین می‌کند، وظیفه‌گرایی ادعا دارد که گرچه نمی‌توان از نتایج و پیامدهای اعمال صرف‌نظر کرد، اما ویژگی‌های مهم دیگری نیز وجود دارند که تعیین‌کننده درستی یا نادرستی اعمال می‌باشند.

وظیفه، ملاک سنجش افعال اخلاقی در وظیفه‌گرایی به شمار می‌رود. حقانیت افعال اخلاقی، از یک الزام که در خود عمل نهفته است سرچشمه می‌گیرد؛ در نتیجه درستی و نادرستی افعال، برآمده از ذات خود فعل است، یعنی فعل خوب ذاتاً و نه به سبب ایجاد نتایج خوب، مستحق تحسین است.

نظریه‌های وظیفه‌گرایانه حائز چند ویژگی هستند:

- تعیین‌کننده وظایف و الزامات خاص نسبت به دیگران هستند، نظیر وظایف در خانواده.

- رفتار اخلاقی درست بر اساس وظیفه مشخص می‌شود و لزوماً رفتاری که خیر را به حد اعلا می‌رساند، اخلاقی قلمداد نمی‌شود.

- ارزش‌هایی نظیر نظریات وظیفه‌گرایانه قابل افزایش نیستند، خیر و شر، باید و نباید و وظیفه، ملاکی برای تعیین اخلاقی بودن اعمال هستند و نمی‌توان آنها را افزایش داد و یا از آنها کاست.

داروال^۲، بعضی از عمده‌ترین وظایف را چنین برمی‌شمرد:

وظایف ناظر به نیکوکاری و ضرر نرساندن، وظایف ناظر به مراقبت‌های خاص، وظایف ناظر به صداقت و وفاداری، وظایف ناشی از رفتار گذشته فاعلان و مخاطبان، وظایف ناظر به همکاری متقابل و بازی منصفانه، وظایف ناظر بر عدالت، وظایف نسبت به سایر گونه‌های زنده (موحدی ۱۳۸۹: ۱۶۵).

رویکرد تلفیقی

در این قسمت نشان می‌دهیم که گرچه ظاهراً نظریات وظیفه‌گرایانه و نتیجه‌گرایانه در تقابل هستند، اما نتیجه‌گرایی نیز همواره توجه به وظیفه را مد نظر دارد. تلفیق این دو

1. Deontologicalism
2. Stephen Darwall

نظریه، رویکردی جدید است که در حوزه فلسفه اخلاق پدیدار شده؛ بنابراین در تقابل قرار دادن این دو نظریه نمی‌تواند چندان صحیح باشد. لذا اعتقاد به تقابل این دو نظریه، اعتقادی جزمی بوده و باید رابطه بین این دو را با احتیاط و تحمل بیشتری نگریست. برای یک وظیفه‌گرا، مشکل است که توجه به نتیجه یک عمل را کاملاً انکار کند؛ هم‌چنین برای یک نتیجه‌گرا نیز دشوار خواهد بود که وظیفه خود را در انجام افعال اخلاقی فراموش کرده و تنها به انجام عملی مبادرت کند که نتایج و پیامدهای بهتری دارد. اگر بر اساس معیارهای وظیفه‌گرایانه، قتل یک انسان بی‌گناه یا خلف وعده اخلاقی نادرست است، نمی‌توان انکار کرد که نادرستی این اعمال، نه تنها ناشی از این است که هیچ کدام وظیفه‌کفایی نیستند، بلکه نتایج چنین اعمالی نیز سهم بسیار مهمی در تعیین نادرستی آنها دارند.

معناشناسی عدالت از منظر دانشمند مختار

در اندیشه سیاسی اسلامی از کلمه عدل با چند معنی یاد می‌شود که عبارت است از: راستی، درستی، داد، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هر گونه تبعیض، قرار دادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق دار، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود توسط خدای متعال (اخوان کاظمی ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸). از میان تعریف‌های ارائه شده در خصوص عدالت، دانشمندان اسلامی بر دو تعریف اخیر، یعنی وضع کل شیء فی موضعه و اعطاء کل ذی حق حقّه که بر فطری، عقلی و قبول دینی بودن مفهوم عدالت اشاره دارد، تأکید می‌کنند. در واقع، مسأله مورد اتفاق میان فقها و متکلمان اسلامی این است که عدالت، مفهومی فرادینی بوده، به این معنا که درک حسن عدل و قبح ظلم یک مسأله عقلی و مستقل از دین و پیش از آن است. حق و عدالت، جزو اموری هستند که حتی اگر دین اسلام هم نسبت به اجرای آنها دستور نمی‌داد، باز هم حقیقت وجود داشتند.

آیت‌الله جوادی آملی که حین تفسیر آیات مربوط به عدالت در تفسیر تسنیم، بارها تعریف عدالت را یادآور شده، در تفسیر آیه ۱۱۵ سوره انعام در تعریف عدل می‌گوید: اگر هر چیزی در جای خودش قرار گیرد، عدل ناب حاصل می‌شود (جوادی آملی ۱۳۹۳: ۶۰۶).

به علاوه در تفسیر آیه ۲۰۹ سوره شعرا چنین آورده است:
 عدل، یک مفهوم شفاف و روشنی دارد و یعنی «وضع کل شی فی موضعه» یعنی هر چیزی را انسان در جای خودش قرار بدهد (جوادی آملی ۱۳۹۳: ۶۰۶).
 جوادی آملی، توانمندی در رعایت عدالت را از راه مراجعه به درون خویش و شناخت خود و اندازه پرهیزگاری معرفی می‌کند (جوادی آملی ۱۳۹۰: ۲۴۵). تنها مبدأ تشخیص عدل و ظلم نیز شریعت الهی است، زیرا خداوند تنها عامل آگاه از قرار گرفتن هر چیزی در جای خود است. بنابراین، عدل که عبارت است از (وضع کل شی فی موضعه)، بدون شناخت حد وجودی شیء و استحقاق ذاتی وی ممکن نیست (جوادی آملی الف ۱۳۹۰: ۵۷۶).

معناشناسی عدالت اجتماعی از منظر دانشمند مختار

عدالت اجتماعی عبارت است از احترام به حقوق دیگران، رعایت مصالح عمومی و یا شناخت حقوق طبیعی و قراردادی که جامعه برای همه افراد قائل است؛ مانند تقسیم کار، پرداخت مزد کارگران مطابق با کارایی آنها، افزودن خدمات و تأمین و رسیدن به سعادت که حق دارند آنها را به دست آورند. به عقیده برخی این عدالت چهار قسم دارد:

۱. عدالت اداری: اداره کنندگان یک جامعه نباید میان افرادی با کمالات انسانی مشابه، تبعیض قائل شوند و با هرکس باید آن طور که در شأن اوست برخورد کنند.
 ۲. عدالت اقتصادی: در معاملات صورت گرفته در جامعه، افراد باید طبق شاخص ویژه‌ای از مساوات تقریبی برخوردار باشند.
 ۳. عدالت قضایی: افراد جامعه از حیث انسانیت و حقوق انسانی باید مساوی قلمداد شده و هیچگونه ملاحظات اعتباری و غیرارزشی مورد توجه قرار نگیرد.
 ۴. عدالت سیاسی: منظور از عدالت سیاسی، اداره امور کشور به نحو شایسته است تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. لذا، عدالت سیاسی به معنای کاربرد اصل عدل در عرصه‌های نظری و عملی سیاسی بوده و با مفاهیم سیاسی و عناصر و نهادهای عینی اعمال قدرت در ارتباط است (بهمن‌آبادی ۱۳۹۶: ۴۵).
- عدالت اجتماعی چهار مفهوم بنیادی دارد:

۱. برابری و مساوات؛ ۲. قانون‌مندی؛ ۳. اعطای حقوق؛ ۴. توازن (اخوان کاظمی ۱۳۸۶: ۳۵-۳۳).

به عقیده آیت‌الله جوادی آملی، خداوند ساختار بشر را به گونه‌ای آفریده که مجبور است برای رفع نیازمندی‌های خود با دیگران به سر ببرد. حق‌محور بودن و داشتن عدالت اجتماعی، مقتضای فطرت انسان است، نه طبیعت او. انسان از لحاظ طبیعت مادی خود، مدنی به طبع است و تنها عقل و فطرت از درون و وحی و نبوت از بیرون است که می‌تواند خوی سرکش استخدام و یغماگری او را سامان بخشیده و وی را به خدمت متقابل و تبعیت از قانون و نظم فرا خواند (جوادی آملی الف ۱۳۸۷: ۳۲۱). عدالت اجتماعی و تعاون همگانی در جامعه برقرار نمی‌شود، مگر در سایه وحی و شریعت و انسانهای عادل.

آیت‌الله جوادی آملی در خصوص جایگاه عدالت اجتماعی در میان اهداف بشر، دو دیدگاه را یادآور می‌شود:

یک گروه، راه تفریط را در پیش گرفته‌اند و با روشنفکرآمبی بر این رأی ناصواب تاکید می‌ورزند که اساس دین برای برپا داشتن عدالت اجتماعی است و از این رو، هر کس که عدل اجتماعی را تأمین کند، متدین واقعی است و عبادات جزو امور فرعی و فردی است که هیچ نقشی در عدالت اجتماعی ندارد و اگر شخصی این عبادات را انجام دهد، کمال زایدی را کسب کرده؛ ولی اصل دین همان عدالت اجتماعی است (جوادی آملی ۱۳۹۵: ۱۳۳).

مسأله در حوزه اسلام کاملاً متفاوت است، قوانین و مقررات اسلام به گونه‌ای تشریح شده که می‌تواند جامعه انسانی را به کمال و سعادت رهنمون سازد و همه افراد جامعه را به فضیلت انسانی ارتقا دهد. بنای روش اجتماعی اسلام بر عدالت‌خواهی و ملاک طبقات اجتماعی بر مبنای تقوای الهی قرار دارد؛ یعنی در جامعه دینی، عدالت اجتماعی و شئون عبادی با هم پیوند خورده‌اند تا روح توحید و وحدانیت را در جامعه احیا کنند (جوادی آملی ۱۳۸۹: ۵۸).

دو اصل توحید و عدالت می‌توانند کشتی حیات جامعه را به ساحل نجات برسانند و فقدان این دو اصل یا یکی از آن به تدریج، آن کشتی را به قعر انحطاط می‌کشاند. پس، این سخن جامعه‌شناسان که دین بر اقامه عدالت اجتماعی و اجرای قسط و

برابری تأکید دارد و سایر دستورها از قبیل نماز، روزه، حج و زکات از شاخه‌ها و فروع آن هستند، سخنی نادرست است؛ زیرا بر پایه آیات یاد شده، تأکید دین بر اصل توحید بیش از اهتمام آن به امور دیگر است. انسان فاقد معرفت توحیدی و تارک فرمان نماز و روزه و سایر امور عبادی، چگونه می‌تواند عدالت را اداره کند در حالی که اصول نخستین عدالت را با ترک این عبادات زیر پا گذاشته است؟

بنابراین، هدف اصلی همانا توحید و به تعبیر اهل معرفت، رسیدن به مقام (فناى فی‌الله) است، حتی اهدافی چون زندگی اخروی یا اهتمام به زندگی دنیوی یا ساختن جامعه نمونه یا تأمین عدالت اجتماعی از اهداف میانی دین است که ارزش آنها به غایت نهایی دین، یعنی توحید وابسته است.

اسلام، عدالت اجتماعی را پایه سعادت ملت‌ها دانسته و پیروان خود را از هرگونه جور و ستم بر حذر می‌دارد و افراد جامعه را مانند اعضای پیکر واحد تلقی می‌کند؛ از این رو، سلامت امت را در قسط و عدل آحاد آن جست‌وجو می‌کند و رهبران الهی را به جامعیت بین حفظ حقوق فرد و رعایت قوانین و مقررات جامعه می‌ستاید (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

نتیجه‌گرایی در آرای دانشمند مختار

در تعریف ساده و اولیه، نتیجه‌گرایی دیدگاهی است که ملاک درستی عمل را پیامدهای ایجاد آن عمل می‌داند. البته این یک تعریف ساده بوده و این رویکرد، بسته به پرسش‌هایی که طرح می‌کند اشکال گوناگون می‌یابد که گاهی با یکدیگر سازگاری ندارند و البته در چهارچوب نظری به آن اشاره شد.

مباحث نتیجه‌گرایان، فهرستی از پیامدهای متعدد و متنوع را به دست می‌دهد که اهم آنها از دیدگاه فرانکنا^۱ عبارتند از:

- ارتباط و همدلی با خدا و ابراز محبت یا معرفت به او؛
- تندرستی، قدرت، حیات، آگاهی و فعالیت؛
- سعادت، بهجت و رضایت؛
- آزادی، صلح و امنیت؛
- همه انواع لذت‌ها، ارضاءها یا برخی از آنها؛
- فهم و حکمت و معرفت و هر نوع رأی درستی؛

1. William Frankena(1908-1994)

- زیبایی و هماهنگی و تناسب در اشیاء مورد تأمل؛

- فرامود خود و ماجراجویی و نوآوری؛

- احساس هنری و کامیابی؛

- خوش‌نامی، افتخار و عزت نفس؛

- توزیع عادلانهٔ خیرها و شرور؛

- هماهنگی و تناسب در زندگی شخصی؛

- ملکات و فضائلی که از لحاظ اخلاقی خوب هستند (فرانکنا ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۷ به

نقل از فخاری ۱۳۹۶: ۷۳-۷۲)

حال، برای اینکه روشن شود نگرش آیت‌الله جوادی آملی پیرامون عدالت اجتماعی

چه نسبتی با رویکرد نتیجه‌گرایی دارد، به چهار پرسش اساسی رویکرد نتیجه‌گرایی با

توجه به آرای ایشان پاسخ می‌دهیم:

- عامل اخلاقی باید به دنبال کدام پیامد یا پیامدها در حوزهٔ بایدها و نبایدهای

فردی و اجتماعی باشد؟

- آیا می‌توان نتیجه، غایت یا خیری را مطرح کرد که به صورت فرازمانی یا

فرامکانی در قالب خیر قرار گیرد؟

- قرار است چه کسی یا چه کسانی از خیرها بهره‌مند شوند؟

- آیا می‌توان همهٔ نتایج مطلوب را از قبل پیش‌بینی نمود؟

در اندیشهٔ اسلامی، فعالیت‌های فاعل نمی‌تواند پیراسته از نتیجه باشد؛ یعنی

فعالیت، چه آگاهانه صورت بگیرد و چه غیرآگاهانه، در نهایت به هدفی مثبت یا منفی

ختم می‌شود. حال که فعالیت‌های هیچ فاعلی نمی‌تواند پیراسته از نتیجه باشد، لازم

است نتیجه یا نتیجه‌های مطلوب شناسایی شود.

در اندیشهٔ اسلامی، غایت‌مندی نه تنها در خصوص افعال انسان، بلکه در کل عالم

هستی جریان دارد و سایر موجودات نیز اهداف معینی داشته و در مسیر مشخصی

حرکت می‌کنند. از نگاه آیت‌الله جوادی آملی:

سخن خدا و نظام هستی بر محور عدل است و هستی وظیفهٔ عدل‌ورزی

دارد، هم در کلمات تکوینی و نظام آفرینش و هم در کلمات تدوینی و

قرآن کریم (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۶۰۶).

اما پس از شناخت غایت هستی، لازم است نتیجه یا نتیجه‌هایی که انسان به آن متمایل است شناخته شود. قاعدتاً، نمی‌توان هدف‌هایی را در عرض هم مطرح کرد که انسان به دنبال دستیابی به همه آنها به عنوان غایت باشد، بلکه معقول آن است که سلسله نتایجی را در طول هم باز شناسیم که دستیابی به یکی، زمینه رسیدن به دیگری را فراهم می‌کند و تا بالاترین غایت به پیش رود.

در آرای دانشمند مختار، انسان پس از شناخت خود و خدای خود، می‌تواند به مرحله عبودیت راه یابد، راه‌یابی انسان به مرحله عبودیت پس از خودشناسی و خداشناسی، زمینه تقوآمداری و حق‌مداری او را مهیا می‌کند. انسان پرهیزگار و خداترس، تقوا را در همه شئون زندگی رعایت خواهد کرد و چنین انسانی، بی‌گمان از راه حق تخطی نکرده و به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند، چنین انسانی از ظلم می‌پرهیزد و قائل به نهادن هر چیز در جای خودش به عنوان مهم‌ترین برداشت از عدل ناب است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

عادل شدن و قرار گرفتن در مسیر عدالت‌ورزی، غایت نهایی انسان نیست و آیت‌الله جوادی آملی بارها در آرای خود به این نکته که عدل‌ورزی و هدایت انسان در این زمینه، هدف متوسط از ارسال رسل است و نه هدف غایی، می‌پردازد.

هدف غایی انسان، رسیدن به نقطه خلیفه‌اللهی و نورانی شدن است. انسانی که به این مقام برسد، جمیع همه فضائل و بری از همه ذائل است. بنابراین، هدف حکومت اسلامی نیز نورانی کردن انسان و زمینه‌سازی برای رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی انسان است و تحقق عدالت در همه شئون، صرفاً هدف متوسط حکومت خواهد بود که زمینه دستیابی به هدف عالی را فراهم می‌کند:

اینجاست که انسان در راه رعایت عدالت به توانمندی خواهد رسید،

چراکه توانمندی در عدل‌ورزی از راه مراجعه به درون خویش و شناخت

خود و اندازه پرهیزگاری است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۳)

بدین ترتیب، در مشخص نمودن نتایج مطلوب از نگاه آیت‌الله جوادی آملی (مانند

آنچه در مورد فرانکنا انجام شد) می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- تلاش انسان برای خودشناسی؛

- تلاش برای شناخت خدا؛ (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۳۸ و ۵۷۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۵۶)

- کسب لذت و سعادت؛ (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۲۸)

- رسیدن به قرب الهی؛ (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۷ و ۱۶۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۲۷ و ۲۲۸)

- دست‌یابی به مقام خلیفه‌اللهی (ر.ک: جوادی آملی ۱۳۷۸: ۳۸ و ۳۹)
 - نورانی شدن انسان؛ (ر.ک: جوادی آملی ۱۳۸۳: ۱۲؛ جوادی آملی ۱۳۷۵: ۱۵۵ و ۱۶۱)
 تا به اینجا و با استناد به آرای آیت‌الله جوادی آملی، به بخش عمده سؤال‌هایی که در رویکرد نتیجه‌گرایی مطرح بود پاسخ داده شد؛ یعنی توانستیم سلسله نتایجی را تعیین کنیم که عامل اخلاقی نیاز دارد و باید در حوزه بایدها و نبایدهای فردی به دنبال آنها باشد. با توجه به گستره‌ای که غایات مذکور دارند، می‌توان آنها را به صورت فرازمانی و فرامکانی دانست که دست‌یابی به آنها در همه عصرها، مکان‌ها و ملیت‌ها راهگشای تحقق توزیع عادلانه بسیاری از خیرها برای بشریت خواهد بود.
 اما پاسخ این پرسش باقی مانده است: چه کسی یا کسانی از این خیرها و غایات بهره‌مند می‌شوند؟

در نگرش اسلام، میان خیر فردی و خیر عمومی هم‌سازی وجود دارد و نه تنازع، چرا که تأمین خیر فردی در گرو توجه به خیر عمومی است و دنبال کردن خیر عمومی در نهایت به خیر فردی نیز منجر خواهد شد. جدای از سطوح پایین‌تر خیرها که شاید خیر فردی و جمعی دچار حالت تضاد نیز بشود، خیر نهایی اساساً زمینه تضاد ندارد.

بنابراین در نگرش اسلام، هم فرد و هم جمع می‌توانند از خیرها بهره‌مند شوند و امکان تنازع در سطوح عالی خیر، ممتنع است. روشن است که سلسله خیرها در نگرش اسلام توسط شارع روشن می‌گردد، به این معنی که انسان نمی‌تواند بدون آنکه به خود و جمع بیندیشد، هر مسأله‌ای را خیر تلقی کرده و هر هدفی را غایت نهایی تصور کند. سلسله خیرها در اسلام به گونه‌ایست که هم فرد و هم جمع از آن تمتع می‌جوید.

نقد رویکرد نتیجه‌گرایی در آرای دانشمند مختار

نتیجه‌گرایی، نقطه کانونی تعیین اعمال اخلاقی را نتیجه حاصل از آن دانسته و این نتیجه‌ها را بنیان قضاوت در خصوص درستی اعمال قلمداد می‌کند و تصویر از خیر و خوب را بنیان تعریف حقوق، تکالیف و جوازها می‌داند. در حالی که در نگرش اسلامی، نمی‌توان صرفاً به نتیجه توجه داشت و از سلسله تکالیف، جوازها و وظیفه‌های مشخص غافل شد.

هنگام استخراج سلسله نتیجه‌ها در آرای آیت‌الله جوادی آملی با استناد به تفسیر تسنیم، روشن شد که آملی، تحقق عدالت و دستیابی به آن را از جمله اهداف (نتایج) متوسط انسان و حکومت می‌داند و سلسله‌ای از اهداف خُرد تا کلان را مطرح می‌کند. اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا دست فرد و حکومت برای عمل باز است و می‌توانند بی‌توجه به چهارچوب وظایف مجاز، صرفاً به نتایج مطلوب توجه کنند؟ (آیا هدف، وسیله را توجیه می‌کند؟)

صرف اتکا به نتایج و بی‌توجهی به وظایف، یک نگرش ساده‌انگارانه و ناقص است. بنابراین، برای وضوح بحث نیاز است که نگاه دانشمند مختار را از منظر وظیفه‌گرایی نیز نظاره کرد و به پرسش‌های مهم وظیفه‌گرایی با توجه به آرای آیت‌الله جوادی آملی پاسخ داد تا در ادامه، بتوان در خصوص نسبت عدالت اجتماعی در آرای ایشان با دو رویکرد نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی پاسخی جامع و دقیق ارائه نمود.

وظیفه‌گرایی در آرای دانشمند مختار

از منظر وظیفه‌گرایی، اینکه اعمال چه نتیجه‌ها و به دیگر سخن، چه خیرهایی را به بار می‌آورند، در قضاوتِ درستی آنها موضوعیتی ندارد؛ بلکه التزام به قوانین یا وظایفی معین است که فعل را عادلانه می‌سازد، هر چند نتیجه‌های آن مطلوب نباشد. وظیفه‌گرایی، تحقق عدالت را در تعریف حقوق و تکالیف و الزام‌ها و جوازها مقدم بر تعاریفی که از خیر و خوب به معنای غیرارزشی آن ارائه می‌شود جست‌وجو می‌کند. پرسش‌های وظیفه‌گرایی را در سه بُعد به شرح ذیل می‌توان بررسی نمود:

۱. **تزام:** عدم وابستگی هنجارهای وظیفه‌گرایانه به نتایج، زمینه‌ساز مطلق‌گرایی در هنجارهای وظیفه‌گرایانه بوده و از جمله نقدهای رایج به وظیفه‌گرایی این است که این رهیافت، نمی‌تواند برای مواقعی که دو یا چند وظیفه در وضعیت تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند، راه مشخصی پیش پای عامل اخلاقی بگذارد. راس، به عنوان یک وظیفه‌گرا می‌پذیرد که به هر حال، ما با موقعیت‌هایی مواجهیم که باید میان دو وظیفه متعارض، یکی را انتخاب کنیم.

در نهایت، نکته مهم اینکه اگر چاره‌ای جز نگاه به نتیجه‌ها در مواقع تعارض وجود نداشته باشد، وظیفه‌گرایی در مواقع تراحم حرفی برای گفتن ندارد و طرحی ناتمام است (فخاری ۱۳۹۶: ۹۷-۹۶).

۲. **موضوعیت عامل:** در اینجا باید دید آیا نقش عامل در حیطة فکری و وظیفه‌گرایی نیز موضوعیت دارد؟ یا آیا عامل اخلاقی، سبب اصلی عملی خواهد بود که از آن تهی شده یا نقش عامل اخلاقی به عنوان عامل اصلی نیست، بلکه تسریع، تسهیل یا عدم مانع‌تراشی برای انجام آن عمل است؟ به تعبیر کاتز «تمسک به این رویکرد، راه دستیابی به جوازهایی را هموار می‌کند که قاعدتاً می‌باید ممنوع اعلام شود» (Katz 1987 : 131-132 به نقل از فخاری ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۱).

۳. **پیراستگی از نتیجه:** فلسفه اخلاقی بنا شده بر وظیفه‌گرایی برای تکمیل خود نمی‌تواند به نتیجه‌ها بی‌توجه باشد. برخی از وظیفه‌گرایان در مواجهه با مسائل بغرنج اخلاقی، این رهیافت را به گونه‌ای تقریر کرده‌اند که گرچه دست از وظیفه‌گرایی برنداشته، اما به مرزهای نتیجه‌گرایی نزدیک شده‌اند و نمونه آن، رهیافت وظیفه‌گرایی عامل‌محور است. رهیافت دیگر - وظیفه‌گرایی، رهیافت قربانی‌محور (مفعول‌محور) است. این رهیافت، به جای تمرکز بر نوع مباشرت عامل اخلاقی در عمل، به سوی دیگر عمل اخلاقی یعنی کسی که اثر عمل اخلاقی را دریافت خواهد کرد توجه دارد. هسته مرکزی رهیافت قربانی‌محور، اقدام به حقوقی‌ست که دریافت‌کننده عمل اخلاقی از آن برخوردار است. بر این اساس، هیچ‌کس نباید فرد دیگری را برای رسیدن به نتیجه‌های مطلوب وسیله قرار دهد (فخاری ۱۳۹۶: ۱۰۱).

اکنون لازم است پاسخ پرسش‌های وظیفه‌گرایی را در آرای آیت‌الله جوادی آملی جست‌وجو کنیم. آملی در آرای تفسیری خود، بارها از مسأله وظیفه و انجام وظیفه به عنوان موضوعی اساسی و مهم در عمل به شریعت یاد کرده، به عنوان مثال در تفسیر تنسیم هنگام مسأله ظلم چنین می‌نویسد:

ظلم تشریحی آن است که شخص مکلف از وظیفه شرعی خود عمداً تعدی کند، کسی که وظیفه خود را انجام نمی‌دهد و به حقوق دیگران تعدی می‌کند، ظالم است (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۶۷۸).

هم‌چنین در جلد نوزدهم تفسیر تنسیم به هنگام سخن از عدل فقهی و رعایت امانت الهی آورده است:

اگر هر کسی وظیفه خود را انجام دهد و آنچه برابر فقه اسلامی تکلیف فردی اوست اهمال نکند و به حریم دیگری تجاوز نکند و به رعایت احکام فقهی که همان ادای امانت است بپردازد، زمینه بی‌نیازی از عدل

حقوقی و قضایی فراهم می‌گردد (جوادی آملی الف: ۱۳۸۹: ۲۱۷).

به علاوه در ادامه بیان می‌کند: اصل رعایت عدالت بر هر انسانی واجب است، زیرا هر مکلفی، موظف به انجام دادن واجبات و ترک محرمات بوده و این، همان عدل است. بنابراین، عدالت وظیفه همگانی و در همه شئون اقتصادی، قضایی و... است که رعایت آن هم بر آحاد جامعه و هم بر رهبران الهی واجب است.

با مطالعه آرای آملی روشن می‌شود که انسان، وظیفه و یا به عبارت بهتر، سلسله وظایفی دارد که بر او واجب و به انجام آنها ملزم است و با رعایت و انجام این وظایف، می‌تواند مسیر مطلوب خود را طی کرده و به هدف‌های حقیقی خود دست یابد. پس در یک تعریف مختصر و روشن، وظیفه، عبارت است از همان تکلیف‌هایی که شرع برعهده انسان نهاده تا به زندگی او چهارچوب مشخصی ببخشد و او را در راستای تحقق اهداف اخروی و دنیوی یاری نماید.

مهم‌ترین وظیفه‌ها از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی عبارت اند از:

- دوری از ظلم و جهالت؛ (ر.ک: جوادی آملی الف: ۱۳۹۱: ۴۷۷)
- پرهیز از نفاق، هواپرستی و حب دنیا؛ (ر.ک: جوادی آملی الف: ۱۳۸۵: ۳۹۲)
- پرهیز از ستمگری و ستم‌پذیری؛ (ر.ک: جوادی آملی الف: ۱۳۹۱: ۵۴۵؛ جوادی آملی ب: ۱۳۹۲: ۳۴۰)
- پرهیز از مال‌دوستی و تکاثر؛ (ر.ک: جوادی آملی ب: ۱۳۹۲: ۴۱۷)
- رعایت امانت و تقوا؛ (ر.ک: جوادی آملی ب: ۱۳۹۲: ۸۳)
- حق‌مداری و حق‌طلبی؛ (ر.ک: جوادی آملی الف: ۱۳۹۰: ۴۱۰)
- اعتدال و عدل‌ورزی (ر.ک: جوادی آملی ب: ۱۳۹۱: ۴۴۷؛ جوادی آملی الف: ۱۳۸۲: ۳)

نقد رویکرد وظیفه‌گرایی در آرای دانشمند مختار

آیت‌الله جوادی آملی با استناد به تعالیم اسلام، سلسله وظایفی را که انسان ملزم به رعایت آنهاست، برمی‌شمارد؛ به علاوه، عدل‌ورزی را نیز یکی از این وظایف می‌داند. اما در توضیح رویکرد وظیفه‌گرایی، ذکر شد که این رویکرد به ویژه در زمان تراحم وظایف دچار اختلال بوده و نمی‌تواند توضیح دهد که در این شرایط، عامل چرا و باید به کدام وظیفه عمل کند و به همین جهت، ناچار است که به نتیجه‌ها توجه کند. بنابراین، صرف توجه به وظایف نمی‌تواند نسبت عدالت اجتماعی در آرای دانشمند مختار را با

دو مقوله نتیجه و وظیفه روشن کند؛ چراکه با استخراج سلسله وظایف مهم انسان در نظر ایشان، نمی‌توان از نتیجه حاصل از وظایف غافل شد.

از نظر آملی، هستی دارای غایت است و انسان نیز به تبع، غایت‌هایی دارد که می‌باید با عمل به وظایف و قوانین معین در دست‌یابی به آنها تلاش کند؛ لذا به نتایج و غایت‌ها در مباحث خود توجه ویژه‌ای دارد. بنابراین، نمی‌توان نگرش دانشمند مختار را صرفاً در چهارچوب رویکرد وظیفه‌گرایی معنا نمود.

رویکرد تلفیقی در آرای آیت‌الله جوادی آملی

سؤالی در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه: آیا وجود یک نظریه تلفیقی از نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی در آرای آیت‌الله جوادی آملی پیرامون مسأله عدالت ممکن است؟ در رویکرد تلفیقی، مسأله محوری این است که آیا می‌توان اصول، قواعد و ضوابطی را از سلسله نتایج موجود استخراج کرد که بتواند آنها را در مسند وظایف بنشانند؟ آیا حصول به نتایج یا نتیجه‌ای که در رأس سلسله نتایج قرار گرفته مستلزم التزام به آن اصل، قاعده یا ضابطه به صورت دائمی می‌باشد؟

پس از پرداختن به الزام‌های رویکرد نتیجه‌گرایی و بررسی خیر یا غایت از منظر آیت‌الله جوادی آملی، روشن شد که می‌توان سلسله خیرها یا غایت‌هایی را نیز از منظر ایشان تعیین نمود که در نهایت، فرد را به خیر برین می‌رساند. این خیرها عبارتند از:

- تلاش انسان برای خودشناسی؛

- تلاش برای شناخت خدا؛

- کسب لذت و سعادت؛

- رسیدن به قرب الهی؛

- نورانی شدن انسان؛

- رسیدن به مقام والای خلیفه‌اللهی.

بنابراین، آیت‌الله جوادی آملی رأس غایت‌ها را همانا خلیفه‌اللهی و نورانی شدن انسان می‌داند که از آن به عنوان خیر برین یاد می‌کند و دیگر خیرهای پیشین نیز در قالب خیر ناظر بر مزیت و ناظر بر تعالی می‌گنجد.

با بهره‌گیری از تفسیر تسنیم، وظایفی از منظر آیت‌الله جوادی آملی استخراج شد که از نظر ایشان، التزام به آنها بر هر انسانی واجب است. اهم این وظایف شامل موارد

ذیل می‌باشد:

- دوری از ظلم و جهالت؛
- پرهیز از نفاق، هواپرستی و حب دنیا؛
- پرهیز از ستمگری و ستم‌پذیری؛
- پرهیز از مال‌دوستی و تکاثر؛
- رعایت امانت و تقوا؛
- حق‌مداری و حق‌طلبی؛
- اعتدال و عدل‌ورزی.

پیرامون بحث وظیفه‌گرایی، سلسله‌وظیفی در آرای دانشمند مختار تعیین می‌گردد که فرد، موظف به رعایت آنهاست و تخطی از این وظایف علاوه بر تعلق کیفر، انسان را از طی طریق اصلی خویش باز می‌دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان به رویکرد تلفیقی در آرای دانشمند مختار پیرامون عدالت اجتماعی قائل بود؛ چرا که در رویکرد تلفیقی، مهم‌ترین پرسش این است که آیا می‌توان از سلسله‌نتایجی که مطرح می‌شود، قواعد و ضوابطی را استخراج کرد و در مسند وظایف نشانده که حصول به آن نتایج مستلزم التزام به آن اصول یا قواعد باشد؟ پاسخ این پرسش مثبت است، یعنی سلسله‌نتایجی را از آرای آیت‌الله جوادی آملی استخراج کرده و قواعد و ضوابطی را که حصول به آن نتایج، منوط به التزام به سلسله‌وظایف است در قالب وظایف از دل آنها بیرون کشیدیم.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر جهت پاسخ به دو پرسش به رشته‌تحریر درآمد: نخست، بررسی چیستی عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی و دیگری، نسبت میان دیدگاه عدالت اجتماعی ایشان با دو رویکرد نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی.

در پاسخ به پرسش اول، بیان شد که آیت‌الله جوادی آملی هم‌چون برخی از دانشمندان متأخر و معاصر اسلامی، دو تعریف برای عدل قائل می‌باشد: یکی قرار دادن هر چیز در جای خود (وضع کل شیء فی موضعه) و دیگری رعایت توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی تا هرکس به هر آنچه شایستگی آن را دارد برسد (اعطاء کل ذی حق حقه). اما جوادی آملی، از میان دو تعریف مذکور بر تعریف نخست تأکید

بیشتری دارد؛ لذا در حوزه عدالت اجتماعی نیز معتقد است قرار گرفتن هر چیزی در جای خود را در یک جامعه به گونه‌ای که هیچ چیز از حد خود خارج نشود، می‌توان به عدالت اجتماعی معنا کرد.

اما در خصوص پرسش دوم پژوهش، ذکر شد که نتیجه‌گرایی ملاک درستی عمل را نتایج حاصل از عمل می‌داند؛ بنابراین نسبت به جوازها، تکالیف و وظایف غافل است. وظیفه‌گرایی نیز صرفاً به وظایف، تکالیف و جوازها توجه دارد و از نتیجه غافل می‌شود. با بررسی نسبت عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی و نسبت‌سنجی آن با دو رویکرد نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی، مشخص شد که نگرش ایشان در چهارچوب رویکرد تلفیقی معنادار است؛ چرا که آملی ضمن برشمردن نتایج و غایت‌های مطلوب برای انسان به سلسله وظایفی قائل است که التزام به آن را بر هر فرد انسانی واجب می‌داند. زیرا انسان، بدون پایبندی به آن نمی‌تواند به هدف مطلوب که همانا دست‌یابی به غایت خلقت است برسد.

جوادی آملی به مجموعه وظایفی معتقد است که از طریق پایبندی به تکالیف و وظایف مشخص، محقق می‌شوند. او رعایت و تحقق عدالت را از غایت‌ها و نتیجه‌های متوسط فرد و حکومت برشمرده و هدف نهایی بشر را نورانی شدن وی می‌داند. انسانی که به درجه نورانیت رسیده باشد در واقع به مقام خلیفه‌اللهی رسیده و چنین فردی درون خود عادل است و می‌تواند به عدالت در جامعه نیز جامعه عمل بپوشاند. نهایتاً، می‌توان بیان نمود که دیدگاه عدالت اجتماعی آملی با دو رویکرد نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی نسبت بینابینی دارد.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶) *عدالت در اندیشه سیاسی اسلام*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- افضلی، سیدعبدالرئوف (پاییز ۹۰) «عدالت به مثابه تبعیت از حقیقت»، *حکمت اسراء*، سال سوم، شماره سوم، صص ۹۵-۱۲۷.
- باقری، فردین (۱۳۸۵) *عدالت اجتماعی در گستره جهانی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- بهمن‌آبادی، شهلا (۱۳۹۶) *عدالت اجتماعی در آرای آیت‌الله جوادی آملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵) *تحلیل محتوا*، ترجمه محمد یمینی و ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۵) *ولایت فقیه (ولایت فقاہت و عدالت)*، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۷۸) *مبادی اخلاق در قرآن*، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۲) *سرچشمه اندیشه*، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۳) *سرچشمه اندیشه*، ج ۴، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۵) *ادب فنای مقرران*، ج ۲، قم: نشر اسراء.
- _____ (الف ۱۳۸۷) *تفسیر تسنیم*، ج ۱۰، قم: نشر اسراء.
- _____ (ب ۱۳۸۷) *تفسیر تسنیم*، ج ۱۳، قم: نشر اسراء.
- _____ (الف ۱۳۸۹) *تفسیر تسنیم*، ج ۵، قم: نشر اسراء.
- _____ (ب ۱۳۸۹) *تفسیر تسنیم*، ج ۱۹، قم: نشر اسراء.
- _____ (ج ۱۳۸۹) *جامعه در قرآن*، قم: نشر اسراء.
- _____ (الف ۱۳۹۰) *تفسیر تسنیم*، ج ۱۷، قم: نشر اسراء.
- _____ (ب ۱۳۹۰) *تسیم اندیشه*، دفتر سوم، قم: نشر اسراء.
- _____ (الف ۱۳۹۱) *تفسیر تسنیم*، ج ۲، قم: نشر اسراء.
- _____ (ب ۱۳۹۱) *تفسیر تسنیم*، ج ۱۲، قم: نشر اسراء.
- _____ (الف ۱۳۹۲) *تفسیر تسنیم*، ج ۷، قم: نشر اسراء.
- _____ (ب ۱۳۹۲) *تفسیر تسنیم*، ج ۲۷، قم: نشر اسراء.
- _____ (ج ۱۳۹۲) *شمیم ولایت*، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۹۳) *تفسیر تسنیم*، ج ۲۶، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۹۵) *قرآن در قرآن*، قم: نشر اسراء.
- فخاری، مرتضی (۱۳۹۶)، عدالت در اندیشه سیاسی شیعه از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی: امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری، *رساله دکتری*، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳) *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: نشر طه.
- موحدی، محمدجواد (۱۳۸۹) «بررسی رابطه وظیفه‌گرایی با نتیجه‌گرایی»، *پژوهش‌های فلسفی*، سال ۵۳: ۱۷۹-۱۵۵.
- نوروزی مصیر، امین، لکزایی، شریف و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۷) «پیشرفت عدالت سیاسی از منظر حکمت متعالیه»، *اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۱۷، صص ۳۰-۷.
- Kats, Leo (1987) *gotten gains*, Chicago: university of Chicago.